

دو کلید نجات ایران

امیرفیض- حقوقدان

شاید علامت کلیدی که شیخ حسن برای معرفی ابعاد فعالیت دولتش انتخاب کرده برای عده ای یک ابتکار جالب و یا بی سابقه تلقی بشود ولی چنین نیست، در جریان ۱۷ آذر سال ۱۳۲۱ که بظاهر بلوای کمی نان سبب آن معرفی میشد قوام السطنه یک تکه نان خشک را بعنوان سمبل دولت خود در دست گرفت و این علامت آن بود که مشکلات حاکم برکشور بستگی به کمبود نان را دارد و او آنرا حل خواهد کرد.

اما انتخاب کلید بعنوان علامت مشخصه دولت شیخ حسن، معنای خاص دیگری هم دارد و آن تقدیم کلید ایران به باراک اوباما است؛ یعنی بفرمائید این کلید در اختیار شماست و در بسته ایران را باز کنید که ما بتوانیم زنده بمانیم.

علامت کلید یک نوع تقدیم ارادت و اختیارتام است که معمولاً روسای کشورها به مدعوین مهم به کشور میدهند.

اگر مفهوم توسل به کلید را از طرف جمهوری اسلامی نوعی آمادگی و تسلیم توأم با ارادت و عذر خواهی از آمریکا بگیریم که گرفته میشود ایرانیان خارج از کشور سالها قبل از جمهوری اسلامی کلید نجات ایران را بارها و بارها به آمریکا تقدیم کرده اند.

روزنامه های فارسی لوس آنجلس مانند عصر امروز و صبح ایران در دفعات متعدد اعلام کرده اند که <کلید نجات ایران در دست آمریکا است> در کنار روزنامه ها، رادیو صدای ایران ده ها و شاید هم صدها بار رسماً اعلام کرد که کلید نجات ایران در دست آمریکاست و حتی در همین مصاحبه اخیر دوسه روز قبل با آقای دکتر اسد همایون هم موضوع <کلید نجات ایران در دست آمریکاست> عنوان شد.

علاوه بر حضرات که بالاخره چنان اظهاراتی از منطق سیاست کشورها بسیار قابل استفاده است شخص اعلیحضرت هم در مصاحبه با مجله معروف آمریکایی <پولیتیک انترناسیونال> فرمودند:

<ضرورت است که کشورهای غربی آگاهانه عدم رضایت عمومی مردم ایران را نسبت به ملایان حکومتی در نظر گرفته و خودشان نتیجه گیری لازم را بنمایند>

یعنی ریش و قیچی نجات ایران و مردم ایران محول کشورهای غربی شده است و آنها هستند که مسئله حقانیت و یا عدم حقانیت و یا مقام نسبیت آنرا تشخیص داده و همانطور هم عمل کنند.

بنابراین از ناحیه مخالفین جمهوری اسلامی در خارج از کشور منهای سلطنت طلبان معتقد به تداوم مشروعیت نظام پادشاهی ایران، تسلیم به تصمیمات آمریکا و هیئت ۵+۱ خواهند بود و تصمیمات مزبور بهر طریق و یا سطح و شکلی که باشد و حتی به جنگ منجر بشود جای اعتراض و ایرادی برای این گروه ساده لوح متصور نیست، اختیار تامی است که خودشان به آمریکا داده اند و تنها جای سربلندی و افتخار!! برایشان باقی است که آمریکا از اختیارات آنها استفاده کرده است.

آمادگی جمهوری اسلامی برای همان پیشنهادهاتی را که قبلاً رد کرده بود، و ارائه کلید به معنای تسلیم هم نشانگر آن است که جمهوری اسلامی خودش را برای قبول خفت تمام عیار تسلیم آماده ساخته است.

بنابراین میتوان گفت که هم جمهوری اسلامی و هم بخش مهمی از مخالفان جمهوری اسلامی کلید نجات جمهوری اسلامی را از مخصه حاضر تقدیم آمریکا کرده اند تا چه اندازه آمریکا از این حسن نیت (بخوانید افتادگی و فلاکت جمهوری اسلامی و مخالفانش) برحم آمده و استفاده کند.

خصلت آدمی و خصلت کشورها

میدانیم که در انسان ها یک خصلتی هست که بنام رحم و مروت تجلی دارد مثلاً بدهکاری که قادر به پرداخت بدهی خود نیست و بیکار است و فرزندانش گرسنه و بی پوشاکند حالت رحم و مروت اقتضای آن را دارد که طلبکارش مامشات کند و یا اورا ببخشد و یا کسی که مستوجب تنبیه است حالت رحم و مروت سبب میگردد که در مجازات تخفیف بدهد ولی این حالت در مورد کشورها نسبت به کشورهای دیگر وجود ندارد، یعنی کشورها در هر حالتی که باشند رحم و شفقت نسبت به کشور طرف خصومت خود ندارند زیرا مسئله حقوق ملی و شرافت ملت و کشور مطرح است نه حقوق شخصی، در ویتنام آمریکا ۵۰ هزار سرباز از دست داد فقط برای حفظ شرافتش.

آمریکائیان از آنجا که یک ملت جوان هستند و سابقه ملت آنها هم بی رحمی و خشونت و گردن فرازی است به هیچوجه در روابط با کشورهای خاصه از سوی کشورهایانی که به شخصیت و کشور پرچم آنها اهانت شده گذشت ندارند.

نشریه ایندپندنت نیویورک نوشت:

>اصولا آمریکائیان در برخورد با کشورها سیاستی دوگانه دارند و هرگاه کشوری از فرمان های

آمریکا نافرمانی کند حتی اگر سالها دوست آمریکا بوده است دشمن آمریکا تلقی میگردد<

یعنی آمریکا یک کشور کینه ای و انتقام جوست و علیرغم روابط دوستی و همکاری که با کشورهای ثالث دارد ناراحتی های حاصل از آن کشور را تحمل نمیکند و آن کشور را دشمن میشناسد و منتظر فرصت برای سرکوبی و انتقام گیری است.

آقای جان لمن وزیر دریاداری آمریکا، نوشته نشریه ایند پندنت را در کلمه واضح تر و با مفهوم نظامی چنین گفته است: <اگر ماتحقیر شویم هر نیروی تحقیر کننده رابه قهر اقیانوس خواهیم فرستاد>

۳۰ سال است که جمهوری اسلامی روش تحقیر و اهانت به آمریکا و پرچم آنرا زیربنای سیاست خود ساخته است همین جمعه گذشته نیز با آنکه جریان کلید در میان است ولی شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل و آتش زدن پرچم پس از نماز جمعه جریان داشته است.

آمریکا فرصت انتقام گیری از جمهوری اسلامی را با انجام تحریم ها فراهم ساخته است تحریم ها خاصه تحریم بانک ملی و نفت جمهوری اسلامی رابه تسلیم و معذرت خواهی و اداشته است و از آنجا که در آمریکا

خصلت ترحم و ممانعت وجود ندارد، تسلیم و معذرت خواهی و سخنان تلطیف آمیز جمهوری اسلامی مسیری رافراهم میکند که آمریکا در موقعیت انتقام گیری و سرکوبی جمهوری اسلامی قرار گیرد.

آقای مارک اسن کرک سناتور ایالت ایلینویز گفته است «مامیدانیم تحریم های اعمال شده فشار خود را بر ایران وارد کرده است. پس اکنون لحظه افزودن بر آنهاست نه کاستن آنها».

از دید آمریکا درست است. در یک جبهه جنگ وقتی دشمن بعثت ضربات نظامی مجبور به عقب نشینی میشود آیا کشور مهاجم حملات را شدید میکند و یا دلش بحال طرف میسوزد و حملات را متوقف میکند؟ البته که خیر شدت حملات و فشار افزایش میدهد بهمین مناسبت است که شورای امنیت سازمان ملل مبادرت به صدور قطعنامه توقف جنگ را مینماید.

همانقدر که خصلت مردمی در جنگ وجود ندارد برعکس پای شرافت ملی در میان است و همین شرافت ملی است که هم موجب جنگ میشود و هم سبب استقبال عمومی از جنگ میگردد و از همه بدتر سببیت را فراگیر میسازد.

تاریخ آمریکا درباره جنگهای داخلی آن کشور حکایت از وحشیانه ترین جنگ هارا داشته است تاجایی که میتوان گفت تاکنون نیز برتری مقام سببیت و خونریزی خود را حفظ کرده است.

در جنگهای داخلی آمریکا در سال ۱۸۶۷ شمالی ها ۳۶۰ هزار سرباز و جنوبی ها هم همین تعداد سرباز کشته دادند در حالیکه تعداد کل سربازان شمالی ۹۶۰ هزار نفر و تعداد سربازان جنوبی ۴۵۰ هزار نفر بوده است چنین درصد تلفاتی تاکنون در تاریخ جنگها بی سابقه است. بی سابقه است که در جنگی سه چهارم سربازان یکطرف و از طرف دیگر نیمی از سربازان کشته شوند.

جنگهای داخلی آمریکا نه جنگ با دشمن خارجی بود و نه جنگهای مذهبی و قومی و نژادی برخی محققین از جمله «بروش کانون» نوشته اند شکست اولیه شمالی ها یک حالت انتقامی بوجود آورده بود که پای شرافت رابه میان آورده بود همان مورخ و دیگران جنگهای مزبور را بعنوان یکی از فجایع بزرگ تاریخ ذکر کرده اند.

چرا؟ زیرا خصلت مردمی اصولاً در مردم آمریکا وجود ندارد. واقعه زندان ابوغریب - بازداشت غیرقانونی کوانتاموبی - ایجاد زندان های مخفی که عقل جن هم به این عمل نمیرسید و همین اقدام اخیر آن کشور در کنترل مکالمات افراد و تسلط خواهی بر عموم کشورها و امثال آنها همه و همه ناشی از کمبود و یا نبود خصلت انسانیت در دولت و ملت آمریکاست.

مقصود از اشاره قدری مفصل به موضوع، نبود خصلت انسانیت در مردم آمریکا، این است که در مذاکرات ۱+۵ با جمهوری اسلامی فقدان خصلت انسانی طرف مذاکره، بر مذاکرات، حکومت مطلق دارد.

برخی میگویند آمریکا تاب جنگ با جمهوری اسلامی را ندارد مقصود و هدف از جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی چیست؟ فقط و فقط تسلیم جمهوری اسلامی و بعد شرائط و خواستههای کشور فاتیح.

این فورمولی است که در تمام جنگها جاری است یعنی کشور فاتیح اول خواستار تسلیم طرف است و بعد مذاکره و تحمیل شرائط.

در حالیکه تمام اقتصاد دانان جهان میدانستند که تحریم ها جمهوری اسلامی را به تسلیم وامیدارد چه نیازی آمریکا به جنگ داشت و دارد >گرهی که با تحریم باز میشود چراباجنگ باز شود<

به عمق اثرات تحریم، در اقتصاد و تولید داخلی خاصه نفت نگاه کنیم تسلیم جمهوری اسلامی را خواهیم دید در این شرایط سقوط و تسلیم و بیچارگی جمهوری اسلامی، هرگونه اقدام نظامی از سوی آمریکا و اسرائیل نقض غرض است قضیه مصداق (من که دارم میرم چرا هولم میدهی است)

خصلت جمهوری اسلامی

آمریکایی ها آنقدر میفهمند که موافقت های هر کشوری اگر با قانون اساسی آن کشور مخالف باشد بی اعتبار است حتی مجلس هم نمیتواند برخلاف قانون اساسی، موافقت نامه ای را تنفیذ کند.

در حالیکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی تکلیف جنگ و تبدیل همه کشورها از جمله آمریکا به امت اسلامی مقرر است، جمهوری اسلامی نمیتواند برخلاف خصلت اسلامی بودنش با آمریکا سرسازش داشته باشد و همه صحبت های جمهوری اسلامی تعارفات است.

آیا واقعه گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا و تیرگی روابط آمریکا و ایران ارتباطی به مسئله انرژی اتمی داشت و یا نداشت البته که نداشت و بظاهر بهانه هایی برای جمهوری اسلامی بود که چرا آمریکا در زمان شاه فلان و بهمان کرده است.

بهانه عرض شد، زیرا خصلت حکومت اسلامی درگیری دائم با کشورهای کفر است، این خصلت چون اسلامی است بالاتر از قانون و عهدنامه و منشور سازمان ملل در جامعه اسلامی مقام دارد.

خصلت جمهوری اسلامی و خصلت انتقامجویی آمریکا از شکست در ایران (برکناری عوامل آمریکا در شرکت در اداره ایران) سبب منازعه سی ساله است و تا این خصلت وجود دارد همین آتش است و همین کاسه و پایان این منازعه هم به مسئله اتم مربوط نمیشود به انتقال قدرت مالاها به عوامل و وابستگان آمریکاست.

بهانه، سلاح اصلی آمریکاست

براستی که تاکنون سند مسلم و با اعتباری که جمهوری اسلامی در تدارک استفاده از سلاح اتمی است در دست نیست پس چرا آمریکایی ها همچنان به مسئله استفاده ایران از انرژی اتمی چسبیده اند؟

علت، نیاز آمریکا به بهانه است برای جبران مافات و حقوق ادعایی خود در ایران که بدست مالاها و حمایت بریتانیا پایمال شده است. تسلیم جمهوری اسلامی به ترتیبات ۱+۵ (که باید گفت ۱+۶ که میشود اسرائیل نامرئی در مذاکرات ۱+۵) هم به نتیجه برسد بهانه های دیگری فوراً از زیر پتوی وزارت خارجه آمریکا به میان خواهد آمد وزارت خارجه آمریکا و سیا کارخانه تولید بهانه علیه کشورهاست.

در تمام گفتگوهای نیم بند بین جمهوری اسلامی و آمریکا یک موضوعی کاملاً همگانی است و آن احترام آمریکا به قرارداد الجزایر است که میگوید (آمریکا در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد)

چرا این مسئله دخالت آمریکا در امور ایران آنقدر مهم است که در صدر احوالات قرار گرفته است؟ زیرا خصلت آمریکا و شرافت ملی و سیاسی آن کشور در شکستی که از انگلیسی ها در جریان شورش ۵۷ خورده اند ایجاب میکند تا آمریکا با دخالت در امور ایران و حتی زیر پا گذاشتن قرارداد الجزایر جبران مافات کند.

علامت حسن نیت و تسلیم

نشان دادن حسن نیت از طرف جمهوری اسلامی کلید روی دماغ گرفتن شیخ حسن نیست، صحبت از نرمش قهرمانانه هم نیست استفاده از مردان طرفدار آمریکا (اصلاح طلبان) در مقام وزارت و دولت نیست. فقط تشکیل مجلس فوق العاده از سوی جمهوری اسلامی و تغییر قانون اساسی آن کشور است خاصه تجدید نظر در اصول مربوط به سیاست خارجی. کشوری که مردمش حاکمیت ندارند و حاکمیت از آن خداست چگونه میتواند طرف قرارداد بایک کشور کفر قرار گیرد؟

علامت سوال برانگیز

۱- بکرات شنیده شده است که «خامنه ای به روحانی اختیار تام برای حل مناقشه اتمی داده است» خبرگزاریها خبر دادند «حسن روحانی از داشتن اختیارات تام در مذاکرات هسته ای با غرب از ناحیه خامنه ای خبر داد»

سوال وارد بر این موضوع این است که به استناد کدام اصل از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی حل و فصل مسائل اتمی ایران و اختلافات ناشیه از آن در روابط بین المللی از اختیارات خامنه ای است که ایشان بتواند آنرا به دیگری منتقل کند؟ حدود اختیارات خامنه ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی دقیقا احصاء شده است؛ ابدأ چنین اختیاری ندارد که به دیگری تفویض اختیار نماید.

خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: «رئیسجمهور ایران پشتیبانی خود را از حسن روحانی اعلام کرد و رفتار منتقدان روحانی را نامناسب خواند ولی چند روز بعد تماس تلفنی روحانی با او باما را مورد انتقاد قرارداد»

پشتیبانی کردن با اختیار دادن فرق دارد پشتیبانی موضعی است یعنی قابل قسمت به کارهای طرف است و کلیت عام ندارد. ولی اختیار کلیت دارد و شخصی که اختیار میدهد دیگر نمیتواند دخالت در مقدمات و اجزای کار بکند و در تطبیق مورد نمیتواند بگوید فلان کار (تلفن به او باما) لازم بود یا نبود. یا باید سلب اختیار کند و یا تسلیم باشد.

در یکشنبه ۲۱ مهر خامنه ای گفت: «رئیس جمهور مسئول پرونده هسته ای است»

بر طبق اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی از جمله بند سیزدهم دولت جمهوری اسلامی مسئول پرونده هسته ای است که رئیس جمهور، دولت را نمایندگی میکند.

بنابراین خبر و صحبت اختیار دادن خامنه ای به روحانی برای حل و فصل پرونده اتمی ایران بی پایه است

۲- این جمله از خامنه ای است:

حمایه نماینده دیپلماتیک دولت عزیزمان خوش بین هستیم ولی به آمریکا اعتماد نداریم و دولت آمریکا عهد و پیمان رازیرپا میگذارد <

قرارداد و موافقتی که یکطرف آن درحالت کُره و بی اعتمادی طرف مقابل باشد، چنین قراردادی قرارداد محسوب نمیشود و طرف آمریکایی نمیتواند بااطلاع از کُره و بی اعتمادی که جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا قائل است مقدم به تنظیم قراردادی بشود. چنین قراردادی همیشه میتواند از سوی جمهوری اسلامی نقض شده و بی اعتبار تلقی گردد؛ زیرا پیشاپیش اعلام کرده است که به طرف قرارداد اعتماد ندارد.

۳- جمهوری اسلامی هرگونه سازش با قدرتهای سلطه گرجهانی را محکوم کرده است (قانون اساسی)

وباز جمهوری اسلامی اساسا آمریکا و کشورهای اقمار آنرا کشورهای سلطه گر و متجاوز به حقوق مسلمانان میدانند، در این صورت قرارداد با همان کشورهای سلطه گر که در صدر همه آمریکا قرارداد دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آنرا ممنوع کرده است و این ممنوعیت هم که متمرکز در حقوق و فلسفه اسلام است چه اعتباری میتواند داشته باشد؟

آخرین عقب نشینی از خط قرمز

اکنون که روز یکشنبه ۲۲ مهرماه سال جاری است که این تحریر تنظیم میشود و یکی دوروزی بیشتری به تشکیل اجلاس ۱+۵ نمانده است، آقای عراقچی یک عقب نشینی مظفرانه از جمهوری اسلامی ارائه داد که واقعا قابل خندیدن است.

میگوید <خروج ذخیره اورانیوم خط قرمز ماست و موضوع مذاکرات ۱+۵ شکل و اندازه و سطح غنی سازی اورانیوم خواهد بود >

فکر میکنم اشاره ای به خط قرمز که این روزها مصطلح شده بجای باشد.

مقصود از خط قرمز یعنی نهایت آزادی در عمل است؛ خط قرمز و یا نهایت آزادی در عمل از حقوق خصوصی افراد است. مثلا کسی میتواند بگوید که خط قرمز من در اجاره خانه کمتر از فلان مبلغ است و یا روزانه بیش از دویستگانه کشم ولی نمیتواند بگوید که خط قرمز من این است که مالیات ندهم. **در جوامع حقوقی و**

سیاسی تعیین کردن خط قرمز لیچار گوئی است خط قرمز در جوامع انسانی متکی به پایه های حقوقی و قانون مدون است و در مسائل سیاسی و روابط خارجی کشورها هم خط قرمز، عهدنامه های بین المللی - کنوانسیون ها و منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

حضرات جمهوری اسلامی و یا رقبیشان بنیامین نتانیاهو که صحبت از خط قرمز میکنند باد دلشان را از طریق زبان و دهانشان خالی میکنند.¹

1- البته کسان دیگری هم که مرتباً خط قرمز تعیین می کنند در همین ردیف قرار خواهند گرفت ... ح-ک

اما مدارج عقب نشینی جمهوری اسلامی

تابحال خط قرمز! جمهوری اسلامی غنی ساختن اورانیوم به غلظت ۲۰ درصد بود و همین موضوع برجسته ترین مخالفت ۵+۱ را تشکیل میداد اکنون عقب نشینی جمهوری اسلامی به آنجا رسیده که میگوید موضوع مذاکرات شکل و اندازه و سطح غنی سازی اورانیوم خواهد بود یعنی از یک درجه تا ۲۰ درجه و نوع آنهم که چه باشد و به چه درد بخورد یا نخورد و اندازه آن هم چه میزان باشد که اساسا بصرف تولید باشد یا نباشد سنگر فعلی جمهوری اسلامی در مسئله انرژی اتمی است.

درست مصداق «شیربی یال و کوپال که شیر نیست» اورانیوم به شکل و اندازه و سطحی که بدرد فعالیت های انرژی هسته ای و یا دیگر فعالیت های ادعایی جمهوری اسلامی نخورد چه سودی دارد که تولید بشود مگر بارها آژانس با تولید اورانیم ۵ درصد غنی شده موافقت نکرده بود به این اعلانات هیچ نامی جز سرعت دادن به تشریفات تسلیم جمهوری اسلامی شایسته نیست.